



دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

**بارقه های تعالیم عارفانه و صوفیانه در بوستان، غزلیات و قصائد سعدی**

استاد راهنما:

**دکتر میر جلیل اکرمی**

استاد مشاور

**دکتر ابراهیم اقبالی**

پژوهشگر

**زهرا نبی زاده**

بهمن 89

## با سپاس

از استاد گرانقدر و ارجمند استاد راهنما جناب آقای دکتر میرجلیل اکرمی و همچنین از استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر ابراهیم اقبال ی که نگارنده را در تدوین این پایان نامه با عنوان «بارقه های تعالیم عارفانه و صوفیانه در بوستان، غزلیات و قصائد سعدی» راهنمایی فرمودند و موجب آن گردیدند تا اینجانب با بخشی از اندیشه های عرفانی سعدی آشنا شوم و مباحث عرفانی این شاعر و عارف ارزشمند و گرانقدر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهم نهایت سپاس و قدردانی را می نمایم. و در پایان از همسرم جناب آقای دکتر احمد محمدی که همواره همراه و پشتیبان من بوده است و دشواریهای زندگی را برایم هموار کرده اند، تشکر و قدردانی می نمایم.

---

نام خانوادگی دانشجو : نبی زاده	نام : زهرا
عنوان پایان نامه : بارقه های تعالیم عارفانه و صوفیانه در بوستان، غزلیات و قصائد سعدی	
استاد راهنما : دکتر میر جلیل اکرمی	
استاد مشاور : دکتر ابراهیم اقبالی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته : زبان و ادبیان فارسی گرایش : محض دانشگاه : تبریز	
دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی تاریخ فارغ التحصیلی : تعداد صفحه : 189	
کلید واژه ها : سعدی ، عرفان، تصوف ، بوستان، قصائد ، غزلیات	
<p><b>چکیده :</b></p> <p>عرفان در لغت به معنی شناخت و معرفت می باشد و در اصطلاح اهل زهد و تقوی عبارت از یک سلسله دستورات عملی ها و راهکارهایی است که در پرتو عمل به تعالیم عرفانی امکان قرب و نزدیکی هر چه بیشتر به پروردگار عالم حاصل می شود.</p> <p>آموزه ها و اصطلاحات عرفانی در ادوار پر فراز و نشیب شعر فارسی به انحاء گوناگون بازتاب داشته است. در دوران سبک عراقی بدلیل وجود بستر های اجتماعی و فرهنگی لازم این اصطلاحات در عرصه ادب فارسی بیش از دوره های دیگر به چشم می خورد.</p> <p>سعدی شیرازی از شاخص ترین چهره های سبک مذکور است که با شیوه و اسلوب خاص خود به تناوب به بیان تعالیم عارفانه و صوفیانه در شعر خویش همت گمارده است.</p> <p>موضوع پایان نامه حاضر بررسی مهمترین انعکاس مفاهیم مذکور در بخشی از آثار منظوم سعدی (بوستان، غزلیات و قصائد) است.</p>	

هدف از پایان نامه حاضر این است که با توجه به جایگاه والای سعدی و آثار او در نظر عارفان و سالکان و اهل تصوف و البته عموم صاحب نظران، تلاش بر این خواهد بود که با تحقیق و تفحص در آثار این شیخ جلیل اصطلاحات صوفیانه و عارفانه که مورد استفاده او بوده استخراج گردد و با مطالعه دانسته شود که آیا این اصطلاحات از نظر سعدی به چه صورت مورد استفاده قرار گرفته و نظرات او درباره ی تعبیر عارفانه چه بوده است.

بنابراین با مطالعه گسترده ابتدا برجسته ترین اصطلاحات عرفانی در عرصه ادب فارسی استخراج گردید و به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت و با دیدگاههای سعدی مورد مطابقت قرار گرفت و در نهایت می توان چنین نتیجه گیری نمود که اصطلاحات و تعبیر عرفانی در آثار سعدی از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است و سعدی نخستین شاعری است که آموزه های ضمن مدح ممدوح آموزه های عرفانی را به وی متذکر شده است و کثرت اصطلاحات مربوط به عالم زهد و تصوف حاکی از تجربیات شخصی و سیر وی در عالم عرفانی بوده است.

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

- 2.....تعریف و تحدید موضوع
- 2.....بیان مسئله پژوهش
- 3.....ضرورت پژوهش
- 4.....مقدمه
- 7.....پیشینه تحقیق
- 8.....پی نوشت ها

### فصل دوم : عشق عرفانی و انعکاس آن در آثار سعدی

- 10.....عشق
- 11.....ورود عشق به تصوف
- 14.....عشق مجازی و عشق حقیقی
- 18.....ویژگی های عشق از دیدگاه سعدی
- 32.....پی نوشت ها

## فصل سوم: اخلاق و منش و آداب و رسوم صوفیان و عارفان از دیدگاه سعدی

34.....	اخلاص در عمل
40.....	فتوت و جوانمردی
43.....	تواضع
47.....	تکبر و غرور
51.....	شکر نعمت
54.....	صوفی
61.....	خلوت
65.....	سماع
76.....	پیر
81.....	خرقه و آداب مربوط به آن
87.....	اعتقاد به بی اعتباری و بی وفایی دنیا
105.....	پی نوشت ها

## فصل چهارم: تجلی احوال و مقامات عرفانی در شعر سعدی

110.....	توبه
121.....	تسلیم
123.....	رضا
128.....	زهد

---

133..... لطف

135..... پی نوشت ها

**فصل پنجم : نگاه سعدی به عارف در مراحل سه گانه سلوک معرفتی (شریعت، طریقت،  
حقیقت)**

138..... توحید

152..... مراحل سلوک از طریقت تا ارادت

166..... عارف و معرفت

176..... پی نوشت ها

179..... فصل ششم : نتیجه گیری

181..... منابع و مأخذ

186..... مقالات

---

کلیات

فصل اول



## تعریف و تحدید موضوع :

یکتا پرستی با فطرت و جوهر روح سعدی سرشته است. توحید سر سلسله ی عقاید راسخ و شالوده همگی افکار و آرا و اقوال اوست. و عرفان بارزترین صفات و برجسته ترین عناوینی است که قبل از هر چیز باید سعدی را بدان معرفی نمود.

این وجد و حال ، ذوق و عشق و جذبه که در گفتارهای او دیده می شود، همه ناشی از منبع توحید و عرفان است. سعدی این ستاره ادبی فارسی اصول تصوف و عرفان را به زبان شیرین و ساده و محققانه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار داده است و چنانکه از آثار و اخبارش دیده میشود به مقتضای فطرت اصلی ، خیر خواه مردم و مایل به نصیحت کردن بوده است.

سعدی نخستین شاعری است که در مطاوی اشعار و قصاید مدحی خود مستقیم و غیر مستقیم زبان به اندرز ممدوح گشوده و با تمسک به مضامین عرفانی و تعابیر اهل تصوف مخاطب خود را به توجه هر چه بیشتر به این مفاهیم ترغیب کرده است.

## بیان مسأله پژوهش :

مفاهیم و اصطلاحات عرفانی به کرات در گستره ی ادب فارسی به چشم می خورد و شعرا و سخنوران هر عصر بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر خویش در خصوص تفسیر مفاهیم فوق داد سخن داده اند. سعدی شیرازی از شاخص ترین چهره های سبک عراقی است که در مطاوی اشعار خود با بهره گیری از اصطلاحات اهل معرفت به بیان نظرات خویش در این زمینه پرداخته است. او در اغلب موارد به تایید برداشتهای پیشینیان خود از تعابیر اهل عرفان پرداخته و گاهی اوقات نیز تفاسیر تازه ای از برخی مفاهیم و اصطلاحات عرفانی به مخاطبان خود عرضه داشته است.

## **ضرورت پژوهش:**

جستجو و کندوکاو در زمینه عرفان، بخصوص در مورد شاهکارهای ادبی که همواره با آثار خود در آسمان ادب ایران درخشیده اند برای یک محقق از دیرباز همواره مورد توجه قرار داشته است. و بررسی تجلیات مفاهیم عارفانه و صوفیانه در آثار سعدی ( بوستان، غزلیات و قصاید) به دلیل اینکه کمتر محققى به صورت جامع به این موضوع پرداخته دارای اهمیت می باشد.

## مقدمه

با توجه به موضوع پایان نامه بهتر است تا درباره ی ظهور و رواج تصوف بحثی هر چند کوتاه آورده شود:

« علّت اساسی ظهور و رواج تصوف در ایران اینست که ایرانیان در نتیجه قرن‌ها زندگی در تمدن مادی و معنوی بالاترین پیشرفته‌ها را کرده و بعالی ترین درجه رسیده بودند. در زیبایی شناسی بر همه ملل آسیا برتری داشتند و هنرهای زیبا مانند نقاشی و پیکر تراشی و موسیقی و هنرهای دستی در فلز کاری و بافندگی و صنایع دیگر بحد کمال رسیده بودند و محدودیتهایی که پس از دوران ساسانی در ایران پیش آمد با طبع زیبایی پسند ایرانی که ذوقیات را در چند قرن از نیاکان خود ارث برده بود و یادگار گرانبهایی می دانست سازگار نبود. در پی مسلک و طریقه ای می گشت که این قیدها را درهم نوردد و آن آزادی دیرین را دوباره به دست آورد. تصوف بهترین راه گریز برای رسیدن به این آزادی فکری بود<sup>1</sup>»

اگر چه با حمله مغول ایران دچار مصائب گوناگون گردید و مراکز علم و معالم تحصیل صدمات غیر قابل جبران دید، اما تصوف و تعلیمات خانقاهی همچنان به قوت خود باقی ماند. با وجود اینکه خانقاهها و اصحاب آن دچار نیستی و بوار شدند اما دلایل توسعه مجدد تصوف در قرن هفتم و هشتم بسیار بود. تحولات اجتماعی سختی که مخصوصاً از آغاز قرن ششم به بعد در ایران حاصل گردیده بود، و پایدار شدن اعتقادات مذهبی، توجه به مشایخ صوفیه و رسوخ اعتقاد مردم را بدان افزایش فراوان داد. صرف نظر از بعضی طریقت های کوچک، دو طریقت بسیار مهم تصوف وجود داشت نخست سلسله ی کبرایه در مشرق که بعد دنباله ی آن تا به آسیای صغیر کشیده شد و دیگر سلسله سهروردیه در مغرب که به زودی تا هند پیش رفت. رؤسا و منسوبان و پیروان این دو سلسله بزرگ در

قرن هفتم و هشتم در ایران مشهور بودند و منشأ خدمات بزرگی به تصوف گردیدند. مثلاً سعدی که از دنباله روان سلسله ی سهروردیه بود.<sup>2</sup>

نظر به اینکه شعر و اجتماع پیوند مستقیم و تنگاتنگی با هم دارند گرایش به تعالیم عرفانی نیز در دوره های مختلف و با تاثیر پذیرفتن از تحولات اجتماعی فراز و نشیب های فراوانی برخوردار بوده است. به عنوان مثال در دوران سبک خراسانی که اغلب شعرا از وضع معیشتی مناسب و حامیان ثروتمندی برخوردار بودند به جهت غرق در لذات و خوشی های مادی و دنیوی تعالیم عرفانی در شعر فارسی نسبت به دوره های بعد کمتر به چشم می خورد.

با این وصف در دوران سبک عراقی و به ویژه پس از حمله مغول زمانی که تمام داشته های مادی شعرا و مردمان به تاراج می رود شعرا راهی جز این ندارند که با توسل به قضا و قدر الهی و تمسک به ریسمان مشیت الهی این مصیبت عظیم را توجیه نمایند و در راستای دلداری دادن به مردمان عصر خود و کاستن از آلام آنها، مخاطبان خود را به صبر و شکیبایی دعوت کنند و با توسل به آیات قرآن کریم و مضامین احادیث شریف ائمه معصومین و سخن عرفای پیشین، رنج و درد معاصران خود را تسکین دهند و در دوره های متاخر نیز تاثیر مستقیم و متقابل مفاهیم عرفانی در شعر فارسی و پیوند آن با تحولات اجتماعی قابل توجه می باشد. موضوع پژوهش حاضر بررسی میزان و نحوه بازتاب مفاهیم عرفانی و صوفیانه و آثار یکی از ستارگان درخشان آسمان شعر فارسی (سعدی) می باشد.

سعدی شیرازی از شعرای سرشناس و از استوانه های شاخص شعر و ادب فارسی می باشد. این شاعر گرانمایه به جهت سیر در آفاق و انفس صاحب تجارب ارزشمندی گشته و آنها را در آثار منظوم و منثور خویش به خوانندگان عرضه داشته است.

قلم فصیح و شیوای سعدی در نثر گلستان هر خواننده اهل ذوق را به وجد می آورد و در عرصه شعر در قالبهای مختلف به ویژه در قصیده و غزل کمتر شاعری است که بتواند یارای برابری با او را داشته باشد.

با این حال سعدی شاعری مداح است و در ضمن قصاید خود به نیکی ممدوح خود را می ستاید لیکن مهمترین شاخصه قصاید مدحی سعدی در این است که وی ضمن مدح ممدوح از اندرز دادن به وی غفلت نمی کند و در ذیل قصاید بعضاً به شکلی کاملاً صریح و مستقیم پند و اندرزهای خود را به ممدوح خویش عرضه می دارد و وی را به ترس از عقاب الهی و مدارا کردن با زیردستان دعوت می نماید. و همواره همچون هادی و راهنما برای آنان است.

مفاهیم زهد و عرفان و تصوف در کل آثار سعدی تجلی گسترده و شایان توجهی دارند. گلستان سعدی از جمله شاهکارهای اوست که در آن اغلب حکایات به طرز ماهرانه و موثری خواننده را به دست شستن از تعلقات مادی و توجه درونی به خالق خویش ترغیب می کند.

در بوستان نیز به همین ترتیب و البته با شدت بیشتری با ذکر حکایت متنوع و فراوان اسرار رمز آلود عرفانی را به خوانندگان عارف خود متذکر می شود.

در این اثر بعضاً به سرگذشت عرفای نامدار اشاره می کند و با توصیف برهه های مختلفی از شیوه زندگی آنها، مخاطبان را به پیروی از آن شیوه های نیک فرا می خواند. در عرصه غزل و با عنایت به این نکته که سعدی پیشگام غزل عاشقانه است، لطیف ترین و دقیقترین نکات عرفانی را در مطاوی زیباترین ابیات گنجانده است.

با توجه به منابع موجود در زمینه عرفان و تصوف و همچنین به دلیل اهمیت آثار سعدی سعی نگارنده در پایان نامه حاضر بر آن است تا با مطالعه دقیق بوستان و قصائد و غزلیات سعدی نکات مهم عرفانی و اصطلاحات خاص آن را استخراج کند. و با طبقه بندی آنها و تجزیه و تحلیل منابع، ابیات

مربوط به هر اصطلاح را به شکل مستقل تدوین نماید و سیمای سعدی را به عنوان یک عارف مورد توجه و ارزیابی قرار دهد.

### **پیشینه تحقیق:**

- (1) تجلیل ، جلیل ، 1377 ، سعدی و معرفت کردگار ، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ سعدی ، ج 1 ، ص 249.  
که در این مقاله نگارنده کوشیده است تا شناخت پروردگار را در بوستان و گلستان سعدی باز نماید .
- (2) دبیری، بدیع الله، تصوف در نظر سعدی، مجموعه مقاله های زندگی و شعر سعدی، ص 154.  
این مقاله اشاره دارد به اینکه سعدی در تعالیم تصوف بیشتر به صفای باطن و جمعیت خاطر و بذل عاطفه و ایثار نفس نظر داشته و خواسته است تا بغض و حسد و کینه و خودپرستی در نهاد بشری بدین وسیله از میان برود. خلقت و پیدایش کائنات را ترقی و تکامل دانسته و می گوید انسان باید در تجلی مواهب فکری سعی بلیغ بنماید.

## پی نوشت ها

---

۱. نفیسی، 1377، 52،

۲. صفا، ۱۳۸۱، ۴۴.

**عشق عرفانی و انعکاس آن در آثار سعدی**

**فصل دوم**



## عشق

عشق در لغت به معنی دوست داشتن می باشد و یکی از عواطف است که مرکب می باشد از تمایلات جسمانی، حسن جمال، حس اجتماعی، تعجب، عزت نفس و غیره. علاقه بسیار شدید و غالباً نامعقولی است که گاهی هیجانات کدورت انگیز را باعث می شود و آن یکی از مظاهر مختلف تمایل اجتماعی است که غالباً جزو شهوات به شمار آید. به عقیده صوفیان اساس و بنیاد جهان هستی بر عشق نهاده شده و جنب و جوشی که سراسر وجود را فراگرفته به همین مناسبت است. پس کمال واقعی را در عشق باید جستجو کرد. عشق اقسام و مراحل متعددی دارد. از قبیل عشق اکبر، عشق اوسط، عشق جسمانی، عشق حقیقی، عشق خدا، عشق روحانی، عشق ظاهری، عشق مجازی و عشق معنوی.<sup>1</sup>

از میان اقسام عشق مذکور در فوق، عشق مجازی و حقیقی بیش از سایر انواع عشق مورد توجه صوفیه واقع شده است. آنان برای توصیف غلبات شوق عشق حقیقی و ترسیم ویژگی های عاشق حقیقی ناچار به توصیف عشق مجازی روی آورده اند؛ زیرا امکان تجربه ویژگی های عشق حقیقی برای هر کسی مقدور نیست و عرفا با توصیف برخی مراتب و ویژگی های عشق مجازی ذهن مخاطب خود را برای ورود به عالم عشق حقیقی آماده می کنند. آنان لذات حاصل از عشق زمینی را به عنوان مقیاس بسیار کوچک و حقیری از عشق واقعی قلمداد می کنند و با زبان حال چنین می پندارند که زمانی که فردی با دریافت تجربیات ناشی از عشق زمینی سرمست و خرسند می گردد، می تواند این نشاط و سرمستی را در مقیاسی بسیار فراتر از تجربه فعلی در عشق فرازمینی حاصل کند.

خصیصه های متعددی از قبیل تضاد عشق و عقل، عدم صبر و شکیبائی با وجود عشق، که عرفا برای عشق در نظر گرفته اند در مورد عشق حقیقی و مجازی صادق است.

## ورود عشق به تصوف

«ابوالحسنی دیلمی در باب دوم کتاب عطف، تحت عنوان «هَلْ يَجُوزُ اَطْلَاقُ الْعِشْقِ عَلٰى اللّٰهِ وَ مِنْ اللّٰهِ» (آیا اطلاق عشق بر دوستی انسان به خداوند و دوستی خداوند به انسان جایز است یا نه؟) تاریخچه ای از ورود لفظ عشق به زبان صوفیه در اختیار ما گذاشته است. دیلمی در جایی می نویسد که شیوخ ما در مورد جایز بودن اطلاق عشق بر دوستی انسان به خدا و دوستی خدا به انسان اختلاف نظر داشتند و برخی از ایشان آن را جایز می دانستند و برخی دیگر نمی دانستند».<sup>2</sup>

«دیلمی در کتاب یاد شده، و به تبع او روزبهان در کتاب عبهر العاشقین، از قول ابو عبیده عبدالواحد بن زید (ف، 177) حدیثی قدسی نقل می کنند به روایت از حسن بصری که در آن لفظ عشق به کار رفته است. این حدیث را ابونعیم اصفهانی (336-430) نیز به صورت کامل روایت کرده».<sup>3</sup>

«خدای تعالی می فرماید: همینکه بنده من بیش از هر چیز به من پرداخت، من هم خوشی و کامیابی او را در ذکر خود می نهم، و چون خوشی و کامیابی او در این بود که با یاد من باشد او به من عشق می ورزد و من به او عشق می ورزم و چون او به من عشق ورزد و من به او، حجابی که میان من و اوست از میان برمی دارم و دانستنیهایی می شوم در برابر چشمانش. وقتی مردم دیگر مرا فراموش می کنند او مرا فراموش نمی کند. این چنین اشخاص سخنانشان سخن انبیاست و ایشان به راستی شیر دل اند. وقتی من می خواهم مردم روی زمین را به عذابی گرفتار کنم به یاد ایشان از عذاب کردن مردم صرف نظر می کنم».<sup>4</sup>

دیلمی از قول بایزید نقل می کند که وقتی از او درباره محبت سوال کردند، در پاسخ گفت: «محبت را چهار هنر است: اول هنری است از او که آن منت اوست بر تو، و دوم هنری است از تو که آن اطاعت از فرمان اوست، و سوم هنری است از برای او و آن ذکری است که تو از او می کنی، و چهارم هنری است که بین تو و اوست و آن عشق است».<sup>5</sup>

از قول جنید بغدادی هم نقل می کند که وقتی درباره عشق از او پرسیدند در پاسخ گفت:  
«غلیان محبت است وقتی محبت به غایت خود می رسد».<sup>6</sup>

(مهمترین صوفی که دیلمی سخنانش را تا حدودی به تفصیل نقل کرده حسین بن منصور حلاج است. عشق از نظر حلاج صفت ذاتی و قدیم حق است که عین ذات اوست.

درجایی دیلمی از قول حلاج نقل می کند که گفت: «عشق آتش است، نور نخستین آتش است؛ و در ازل بوده است، همچون بوقلمونی که به هر رنگ درآید و به هر صفت آشکار گردد. ذات او به ذات او ملتهب و صفاتش به صفاتش متشعشع. او متحقق است و سفر نمی کند مگر از ازل به ابد. سرچشمه او از هویت (حق است) و از انیت مبراست. باطن ظاهر ذات او حقیقت وجود است و ظاهر باطن صفاتش صورت کاملی است که به استتار از کمال کمال حکایت می کند».<sup>7</sup>

غزالی نیز در مورد عشق می گوید: «سرّ اینکه عشق هرگز تمام روی به کس ننماید آن است که مرغ ازل است، اینجا که آمده است مسافر ابد آمده است. اینجا روی به دیده حدثان ننماید که نه هر خانه آشیان او را شاید - که آشیان از جلالت ازل داشته است».<sup>8</sup>

ابن سینا، در خصوص عشق از دیدگاه پزشکی که همان عشق آلوده به هوا و هوس است با دیدی نسبتاً منفی نگاه می کند. اما نظر ابن سینا درباره جنبه فلسفی و مابعد الطبیعی عشق چیز دیگری است. او در رساله ای که اختصاصاً درباره عشق نوشته از لفظ عشق برای بیان دوستی میان انسان و خدا استفاده کرده و مانند دیگر فلاسفه نوافلاطونی معتقد است که عشق و شوق در همه موجودات ساری است.

«اصل این عشق کیهانی، از نظر او، صفتی است در خداوند، یا به قول او «خیر اول»، صفتی که عین ذات الهی است. از نظر ابن سینا، حق تعالی به ذات خویش که خیر محض است، عشق می ورزد،

و لذا او هم عاشق است و هم معشوق. این عشق ورزی حق تعالی یا خیر اول، با خود و با جمال خود بالفعل است و تا ابد ادامه دارد. و لذا عشق حق تعالی به ذات خویش کاملترین عشقهاست».<sup>9</sup>

«این عقیده همان نظریه عشق ذاتی است که هم فلاسفه نوافلاطونی و هم حلاج بدان قائل

بودند».<sup>10</sup>